



جان ماکسول

مهدی قراچه داغی

.....

گاه
می برید
گاه
می برید

بزرگترین درس‌های زندگی را
از باخت‌هایمان می‌آموزیم



انتشارات تهران

گاه می برید، گاه یاد می گیرید

جان ماکسول

ترجمه مهدی قراچه داغی

چاپ اول، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۳۹۹

ناشر همکار: آلمان

حروفچینی: شبستری

توگرافی: طاووس رایانه، چاپ: دبیا

ارچا: علی رضا دوستی

شابک: ۳-۲-۲۹۱-۹۶۴-۹۷۸

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه پاسداران شماره ۵۱۴ - صندوق پستی: ۴۸۷-۱۹۵۸۵

تلفن های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۷۶۰۶۹۸، ۲۲۷۶۰۶۹۹ تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن مرکز پخش: ۶۶۹۵۲۱۱۸

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است.

هرگونه برداشت یا اقتباس از این کتاب، کلی یا جزئی، هر شکل (الکترونیکی،

دیجیتال، چاپ، صوتی و...) بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و پیگرد قانونی دارد.

سرشناسه	: ماکسول، جان سی، ۱۹۴۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: گاه می برید، گاه یاد می گیرید: "بزرگترین درس های زندگی را از باخت هایمان می آموزیم" نویسنده جان ماکسول؛ ترجمه مهدی قراچه داغی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات تهران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص: ۲۱/۵×۱۲/۵ سم.
شابک	: 978-964-2911-23-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Sometimes you win, sometimes you learn for teens: how to turn a loss into a win, 2015.
عنوان دیگر	: بزرگترین درس های زندگی را از باخت هایمان می آموزیم.
عنوان دیگر	: گاهی پیروزی: گاهی آموختن: چگونه شکست را به پیروزی تبدیل کنید.
موضوع	: شکست (روانشناسی)
موضوع	: Psychology (Failure)
موضوع	: یادگیری
موضوع	: Learning
شناسه افزوده	: قراچه داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۲۹۷ ۲۲۳ م/ش/ BF۵۷۵
رده بندی دیویی	: ۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۷۲۵۸۷

فهرست

۷	یادداشت نگارنده
۹	پیشگفتار به مربیان وودن
۱۳	۱. وقتی می‌بازید، همیشه به نظر می‌رسد.
۳۳	۲. فروتنی: روح یادگیری
۵۱	۳. واقعیت: پایه و اساس یادگیری
۶۹	۴. مسئولیت: اولین قدم یادگیری
۸۹	۵. پیشرفت و ترقی: نتیجه یادگیری
۱۰۷	۶. امید: انگیزه یادگیری
۱۲۵	۷. آموزش‌پذیری: راه یادگیری
۱۴۵	۸. بدیاری: کمکی به یادگیری
۱۶۳	۹. مسائل: فرصت مناسب برای یادگرفتن
۱۷۹	۱۰. تجربه‌های بد: دیدگاهی برای یادگرفتن
۱۹۵	۱۱. تغییر: بهای یادگیری
۲۱۹	۱۲. بلوغ: ارزش یادگیری
۲۳۳	۱۳. برنده شدن همه چیز نیست اما...

یادداشت نگارنده

سال ۱۳۸۰ این بخت خوش را داشتم که به‌طور منظم با جان وودن سرمربی بسکتبال دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس، ملاقات کنم. برای ملاقات با او یک روز تمام در لاس‌آنجلس می‌دیدم، به این فکر می‌کردم که باید چه سؤال‌هایی از او بپرسم. یاد گرفتن از این سرمربی بزرگ نعمتی بود. او فردی بسیار مهربان و اندیشمند بود. آخرین باری که با او ملاقات کردم از من پرسید روی چه موضوعی کار می‌کنم. به تازگی موضوع و رئیس مطالب کتاب حاضر را تهیه کرده بودم و از این رو هیجان‌زده بودم. از کیفم چند صفحه کاغذ بیرون آوردم و آن‌ها را نشانش دادم. به او گفتم که چه عامل و عواملی سبب شده است به نوشتن این مطلب ترغیب شوم.

مربی گفت «چه موضوع جالبی! می‌توانی به حیل ما آموزش بدهی». بعد حرفی زد که مرا شگفت‌زده کرد. پرسید «آیا می‌توانم من به شگفتار کتاب را بنویسم؟»

چه افتخاری، البته که گفتم بله می‌توانی.

او همان‌طور که قول داده بود پیشگفتار کتاب را نوشت و چند ماه بعد جهان را بدرود گفت. به فکر رسید که این احتمالاً آخرین مطلبی بود که نوشت.

دنایای نگارش کتاب بسیار مضحک است. ناشر به این نتیجه رسید که من

ابتدا کتاب پنج سطح رهبری را بنویسم و بعد ۱۵ قانون ارزشمند رشد را. در آن زمان این کتاب باید منتظر می‌ماند. بعد از گذشت چند سال، سرانجام به نوشتن این کتاب مشغول شدم.

حنین بود حکایت نوشتن پیشگفتار کتاب توسط جان وودن. من از او سپاسگزارم. درست است که قبل از ما مرده است، اما هرگز فراموش نمی‌شود.

www.ketab.ir